



عنوان مقاله:

## بررسی علت اختلاف نظر در انتخاب مکاتب اصولی

استاد ارجمند:

### حجت الاسلام و المسلمین حاج حسین انصاری

پژوهشگر:

احمد رحمانی

منتفع تحصیلی:

پایه چهارم

شماره پرونده:

۹۲۸۱۵

پیش‌کشش است به ساحت مقدسه و اولین شهید ولایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## **عنوان مقاله:**

بررسی علت اختلاف نظر در انتخاب مکاتب اصولی

## **نام نویسندگان:**

احمد رحمانی و حجت الاسلام و المسلمین استاد انصاری

## **چکیده:**

در این مقاله سعی شده علت اختلاف نظر بزرگان اصولی در انتخاب کردن مسیر و منهج اصولی شان را بیان گردد. فلذا با استفاده از شواهد تاریخی و عینی به علت اختلاف پرداخته شده است. بر اساس بررسی و تحقیقی که در این مقاله صورت گرفته باید علت اختلاف در سیر و انتخاب کردن یک مکتب اصولی را در علل و عوامل مختلفی جست و جو کرد که از جمله آن علت ها فکر و ذوق درونی فرد و همچنین استاد، مکان و زمان اشاره داشت.

## **کلید واژه:**

مکاتب اصولی، تاریخ علم اصول، اختلاف در انتخاب مکاتب، علل اختلاف نظر

در این نوشتار به چرایی اختلاف نظر در انتخاب مکاتب اصولی پرداخته شده بحثی که از دغدغه های شخصی اینجانب بود. حال ما در این نوشتار به علل گرایش به مکاتب اصولی پرداخته ایم حال ممکن است که این علل در مورد علوم دیگر نیز صدق کند.

و در بررسی ای که بین بیش از ۶۰ کتاب، مقاله و مصاحبه و همایش شده ، هیچ کدام از آنها به چرایی اختلاف در انتخاب مکاتب به صورت مبسوط بحث نشده فلذا شاید (البته تا آن جایی که بررسی کرده ام) اولین مقاله در این زمینه در علم اصول فقه باشد که به رشته ی تحریر در می آید . به همین علت بخش هایی از این نوشتار از انتزاعات این حقیر می باشد که به نظر شما خواهد رسید چون علت اختلافات را باید از لابه لای مطالب و مباحث مختلفی که وجود داشت در می آوردیم .

لارم به ذکر است ما با بررسی این موارد که منشا اختلاف بین مکاتب شده اند در نظر داریم که خود را از هر اشتباه در این زمینه مصون بداریم تا با دیدی باز و واقع بینانه به مسائل بنگریم.

در این نوشتار سعی شده که با یک دید جامع به چرایی اختلاف نظر در انتخاب مکاتب اصولی نگاه شود در نتیجه به جز ذکر علل مذکور از چیز های دیگر که مرتبط با این موضوع هم بوده اند اجتناب نکرده ایم فلذا در فصل اول به مفهوم شناسی مکتب و تعریف مدرسه و دوره پرداخته ایم و در فصل دوم به بیان تاریخ علم اصول به صورت اجمال پرداخت کرده ایم، در فصل سوم به علل اختلاف نظر در انتخاب مکاتب مختلف اصولی و در فصل چهارم به تبیین شاخصه های هر مکتب را ذکر داشته ایم .

در پایان لازم به ذکر می دانم که در بعضی از فصول در ابتدا به بیان نکاتی پرداخته ایم که برای خواننده ی محترم از جهت فهم دقیق گفتار های موجود در یک فصل دارای اهمیت می باشد. امید است که این نوشتار به فهم همگی ما نسبت به ماهیت بهتر مکاتب اصولی کمک شایانی کرده باشد.

## فصل اول : مفهوم شناسی مکتب

نکته:

در بعضی از کتب و مقالات تفکیک و فرق گذاری بین این که مثلاً فلاتی دارای مکتب است نه مدرسه و این دوره است نه مکتب و... گذاشته نمی شود یعنی خواننده را به فهم تفکیک بین این سه اصطلاح و بیان دقیق آن ها و نمی دارد فلذا بر آن شدیم که به ذکر دقیق تعریف مکتب بپردازیم تا خواننده ی محترم دچار سر درگمی نشود. مثلاً به عنوان مثال از نوآوری های آیت الله بروجردی در علم اصول به عنوان مکتب یاد شده است<sup>۱</sup> و حال آن که ایشان بر اساس مکتب اصولی قم که مرحوم شیخ موسس آن را تاسیس کرده اند مشی می کردند حتی در عبارتی از خود مرحوم بروجردی نقل است که می فرمایند: «وقتی به قم آمدم کتاب درالاصول مرحوم شیخ عبدالکریم را دیدم و با شاگردان ایشان صحبت کردم. احساس کردم که این کتاب سلیقه ای از خودش نشان داده است که باید این روش در قم دنبال بشود»<sup>۲</sup>.

حال شاید کسی به ما اشکال کند که شما دعوا را روی الفاظ برده اید چه فرقی می کند یکی می گوید مدرسه یکی دیگر می گوید مکتب .

جواب ما این است که چون نزاع ها در این موضوع زیاد است و هر کس یک تعریف ارائه می دهد و همچنین برای اینکه علت یابی ارتباط مستقیم با این تعاریف خواهد داشت فلذا ما این تعاریف را به صورت فصلی مستقل بیان داشته ایم چون خواننده ی ماچه بسا تعریف دیگری از مکتب در ذهنش وجود داشته باشد و بعد ما تعریف دیگری که در این صورت وی نمی تواند میزهایی را که مثلاً ما برای مکتب با مدرسه را قائل شده ایم در یابد و هم چون سر درگمی ، پی راه می گردد.

### گفتار ۱: مکتب در لغت

۱- .... و **المکتب** و **الکتاب**: موضع تعلیم الکتاب، و الجمع **الکتاتب** و **المکاتب**. **المبرد**: **المکتب** موضع

التعلیم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی ص ۳۵

<sup>۲</sup> - نگاهی تطبیقی به مدرسه قم و نجف ص ۱۰

<sup>۳</sup> - لسان العرب / ج ۱ / ۶۹۹ / کتب: ..... ص : ۶۹۸

۲- و کَتَبَ القاضی بالنفقة: قضی. و "المکتب" ...: موضع تعلیم الكتابه، و الجمع "المکاتیب".<sup>۴</sup>

با توجه به بررسی انجام شده در می یابیم که مکتب یعنی مکان و موضع یاد گرفتن که با تعریف مدرسه در فارسی (نه مدرسه اصولی) مترادف است.

## گفتار ۲: تعریف اصطلاحی مکتب اصولی

مکتب اصولی - با در نظر گرفتن برداشتی که از کلمات برخی بزرگان می شود - یعنی منهج و روشی که افراد هم دوره و گاهی در دوره ی دیگر پیروی کرده تا به غایت و هدف نهایی مد نظر خودشان از مباحث اصولی برسند. حال ممکن است که دو فرد در یک دوره ی واحد اصولی زندگی کنند اما هر کدام از آن ها پیرو مکتب خاصی باشند. مثل مرحوم نایینی و مرحوم حائری یزدی که در یک دوره ی اصولی زندگی می کردند اما از جهت مکتب با هم کاملاً متفاوت بودند. حال با در نظر گرفتن این معنا در می یابیم که مکتب به معنای لغوی می تواند معنای وسیع تری نسبت به معنای اصطلاحی خود داشته باشد.

## گفتار ۳: فرق بین مکتب، مدرسه و دوره

### ۱/۳ تعریف مدرسه:

مراد از مدرسه معمولاً سبک و سلیقه خاص هر اندیشمند در طرح دیدگاه‌های تازه و چگونگی بهره‌گیری از استدلال‌ها به نفع آنها و نحوه تحلیل و تبیین مسائل است که اغلب در آثار و تحقیقات و تدریس‌های هر فرد متجلی است.

بنابراین در درون یک مکتب مدرسه‌های گوناگونی ظهور می‌نماید. لذا، با تعریفی که از مکتب ارائه شد از جهت در بر گرفتن دانش آموختگان اصولی اعم از مدرسه است.<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup> - مجمع البحرین / ج ۲ / ۱۵۶ / (کتب) ..... ص ۱۵۲

<sup>۵</sup> - جایگاه شناسی علم اصول ج ۲ ص ۵۱۴

## ۳/۲ تعریف دوره:

عبارت است جریان خاص علمی در برهه ای از زمان که بر اثر علت های متفاوت از قبیل اجتماعی، سیاسی و... پدیدار می گردد که این علل دوره ی خاص در زمان خود منحصر و محدود می باشند فلذا است که ما داری ادوار متفاوت در علم اصول هستیم. لازم به ذکر است ما از زمان در برهه ای در تاریخ به عنوان ظرف استفاده کرده ایم که این جریان های متفاوت در آن بازدهی زمانی خاص پدیدار آمده اند. در نتیجه دوره نسبت به مکتب از جهت خوانندگان اصول اعم خواهد بود.

## فصل دوم: بررسی تاریخ علم اصول فقه

### نکته:

لازم به ذکر است در باره ی تاریخ علم اصول کتب و مقالات مختلفی وجود دارد ولی برای ما بیان کردن تمام تاریخ علم اصول اهمیتی ندارد فلذا در این فصل به تاریخ علم اصول به صورت مبسوط نپرداختیم تا خواننده علاوه بر آن چیزهایی که مطرح خواهد شد خود با در نظر گرفتن تاریخ به علل آن اختلاف نظرات در انتخاب مکاتب مختلف اصولی پردازد.

## گفتار ۱: تاریخ ادوار اصول فقه

برخی ادوار اصول را به ۳ دوره و برخی بر ۶ دوره و برخی بر ۸ دوره و حتی ۹ دوره تقسیم می کنند.<sup>۶</sup> حال ما در این نوشتار به ذکر ۶ دوره بسنده کرده و به اختلافات بین ایشان نخواهیم پرداخت.

ادوار اصولی عبارت اند از:

دوره اول: دوره تاسیس «تا اواخر غیبت صغرا»

دوره دوم: دوره توسعه «اوایل غیبت کبرا تا ابن ادریس»

<sup>۶</sup> - در آمدی به تاریخ علم اصول ص ۶۸ و ۶۹

دوره سوم: دوره تکامل « از ابن ادريس تا اوایل قرن یازدهم»

دوره چهارم: دوره اوج اخباری گری و مقابله با آن «از اوایل قرن یازدهم تا زمان وحید بهبهانی»

دوره پنجم: دوره تجدید و حیات

دوره ششم: دوره ژرف نگری<sup>۷</sup>

## نکته ۱:

نکته ی قابل توجه این است که تمامی کتب و امالی دوره ی اول (بنابر تقسیم بندی ۶گانه) از بین رفته<sup>۸</sup> یا لا اقل به دست علمای ما نرسیده است فلذا بررسی این که آیا در دوره ی اول مکتب خاصی وجود داشته یا نه حد اقل تا قرن سوم هجری قمری سخت خواهد شد. ولی ما با تعریفی که از مکتب ارائه داشتیم در می یابیم که نه تنها در سه دوره ی اول علم اصول بلکه در دیگر ادوار به جز دوره ششم مکتبی وجود نداشته . فلذا ما از مکتب در آن ادوار بنای بر بررسی کردن نداریم گرچه با بررسی ادوار مویدات خوبی که حاکی از درست بودن استخراجات و انتزاعات ما در مکاتب اصولی است خواهد بود .

## نکته ۲:

با بیانی که مرقوم داشتیم باید خاطر نشان کنیم که تا دوره ی پنجم (همچنین خود دوره پنجم) مکتب واحدی وجود داشته به عبارتی دیگر چون علم اصول هنوز دارای انسجام نبوده و افراد این ادوار یعنی تا دوره ی پنجم بیشتر در صدد تنقیح و تقریر مباحث اصولی و یا در صدد حفظ آن در برابر اخباری ها بودند که این تلاش تا زمان شیخ انصاری یعنی سال ۱۲۸۱ هجری ادامه داشت<sup>۹</sup> فلذا ما فقط از مکاتب دوره ی ششم بحث خواهیم داشت.

<sup>۷</sup> - همان ص ۶۹

<sup>۸</sup> - در آمدی به تاریخ علم اصول ص ۷۷

<sup>۹</sup> - تاریخ علم اصول ص ۱۲



## گفتار ۲: معرفی مکاتب اصولی و بیان افراد شاخص آنها

### گفتار ۲/۱ مکتب قم

#### ۲/۱/۱ موسس مکتب قم:

موسس این مکتب را مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی است که شاید بتوان این نوآوری ایشان در علم اصول و تاسیس مکتب جدید به نام مکتب قم را موثر از استاد خودشان یعنی میرزای شیرازی دانست.

#### ۲/۱/۲ ارکان مکتب قم:

۱- مرحوم سید محمد حسین طباطبائی بروجردی

۲- امام خمینی<sup>۱۰</sup>

۳- آیت الله اراکی<sup>۱۱</sup>

### گفتار ۲/۲ مکتب نجف

#### ۲/۲/۱ موسس مکتب نجف:

موسس این مکتب جناب شیخ انصاری است. بعد از ایشان جناب میزای نایینی از تفکرات اصولی استاد خود صددرصد پیروی کرده و حتی به نقل از یکی از اساتید می فرمایند که: «من علم شیخ انصاری را به ارث برده ام».

#### نکته:

گرچه می توان یک این شیوه ی جدید از مکتب نجف را مولود مکتب سامرا دانست با وجود این که خود مکتب نجف سابقه ی بیشتری نسبت به مکتب سامرا داشته ولی از آن بی تاثیر نیست مثل مکتب قم که از

<sup>۱۰</sup> - جایگاه شناسی علم اصول گامی به سوی تحول ج ۲ ص ۵۱۴

<sup>۱۱</sup> - دررالفوائد ص: ۴

مکتب سامرا تاثیر پذیرفته است در واقع عکس العمل مکتب سامرا باعث تاسیس مکتب نجف شد که نجفیون بعد از شیخ انصاری را مجبور به خلاصه نویسی و قناعت به کمترین جملات، که در نتیجه دچار اغلاق و ارائه جملاتی معماگونه نمود.<sup>۱۲</sup> فلذا تدقیق مسائل و مباحث اصولی در هر دو مکتب وجود داشته است ولی مکتب نجف بنابر آنچه که گفته شده است. به موجز گفتن پرداخته است ولی باز به تدقیق مباحث خود مثل مکتب اصولی سامرا هم چنان ادامه داده است.

### ۲/۲/۲ ارکان اساسی مکتب نجف:

۱- مرحوم میرزا محمد حسن نائینی

۲- آقا ضیاء عراقی

۳- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی

۴- سید ابوالقاسم خویی<sup>۱۳</sup>

### ۲/۳ گفتار مکتب سامرا

#### ۲/۳/۱ موسس:

موسس این مکتب میرزای شیرازی است که ایشان هم بر اندیشه های شاگردان خود سیطره پیدا کرده و اکثر آنان را به مکتب اصولی خود گرایش دادند که نشان دهنده ی تاثیر استاد بر روی شاگردان خود است .

#### ۲/۳/۲ ارکان مکتب سامرا:

۱- میرزا حبیب الله رشتی

۲- ملا علی دوزدری

---

<sup>۱۲</sup> - تاریخ علم اصول ص ۲۵

<sup>۱۳</sup> - جایگاه شناسی علم اصول گامی به سوی تحول ج ۲ ص ۵۱۴

## **فصل سوم: علت های به وجود آمدن یا گرایش به یک مکتب و بررسی و تحلیل آن علل**

**نکته:**

به نظر می رسد که در نظر گرفتن احوالات کسانی که به عنوان موسس یک مکتب بودند می تواند کمک شایانی به بررسی علت اختلاف نظر در مکاتب باشد چون دیگران که بر این مکتب مشی می کنند از وی تاثیر گرفته اند ولو اینکه خودشان دارای ابداعاتی در خود مکتب بوده باشند که به عنوان مدرسه خاص طرح می شود. ولی اصل اختلاف را به نظر می رسد که باید از خود افراد سر گروه آن مکتب جویا شد گرچه ما در این نوشتار به دیگر افرادی که در ۳ مکتب مذکور تنفس می کردند هم بحث کرده ایم .

### **گفتار ۱ :**

شاید بتوان علل اختلاف نظر در انتخاب منهج اصولی مشخص را در دو بخش کلی تقسیم بندی کرد :

۱- فکر و نظر فرد اصولی که به عنوان عامل نهایی انتخاب کننده در انتخاب مکتب است

۲- عللی که به عنوان شکل دهنده ی آن فکر و نظر اند

### **گفتار ۱ / ۱ : مواردی که شکل دهنده ی فکر و ذوق فرد اصولی**

#### **الف - استاد:**

نقش استاد در تشکیل فکر شاگرد به سزا است ولی باید در نظر داشت که در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است که شاگرد از تفکرات و منویات استاد خود تبعیت نکرده بلکه کاملاً مخالف بوده فلذا ما نمی توانیم استاد را به عنوان تنها علت انتخاب در نظر بگیریم از این رو برآن شدیم که مواردی را که ادعای ما را به عنوان تنها علت نبودن استاد اثبات می کند بیان داریم.

#### **۱ - مصادیق تاثیر اساتید در طول تاریخ:**

(۱) - مثل مرحوم موسس در شیوه نگرش جدید به مباحث اصولی که از ستاد خود آیت الله شیرازی تاثیر پذیرفته اند گرچه هر دو بزرگوار دارای مکتب اصولی خودشان هستند ولی این تاثیرات میرزای شیرازی بر ایشان بسیار است .

(۲) - آیت الله خوئی که در پیروی خود از مکتب اصولی نجف از مشایخ ثلاثه یعنی میرزای نایینی و مرحوم اصفهانی و مرحوم عراقی تاثیر بسزایی گرفته اند.

#### نکته:

باید در نظر داشت در اغلب جاها استاد توانسته است که بر طرز تفکر شاگرد خود تاثیر گذاشته فلذا ما از ذکر همه ی آنها صرف نظر می کنیم .

#### ۲ - مصادیق عدم تاثیرات اساتید در طول تاریخ:

(۱) - عدم پیروی میرزای شیرازی از استاد خود یعنی شیخ انصاری <sup>۱۴</sup> در مکتب اصولی چون هر دو صاحب مکتب اند.

(۲) - **آخوند ملامحمد کاظم خراسانی**، از بزرگترین شاگردان **میرزای شیرازی** است <sup>۱۵</sup> و با این حال عدم تاثیر پذیری ایشان در منهج اصولی از استاد خود کاملاً مشهود است.

(۳) - عدم تاثیر گرفتن مرحوم موسس از استاد اصول خود یعنی مرحوم آخوند خراسانی <sup>۱۶</sup> در پیروی از مسلک اصولی مرحوم آخوند چون همان طور که بیان شد خود مرحوم موسس نیز دارای مکتب بوده است.

#### نکته:

لازم به ذکر است که اختلافات نظر یک شخص با استاد خود احیاناً مربوط به مجالست و تلمذ ایشان با استاد دیگر بوده مثل مرحوم آخوند که تنها به مدت دو سال درس شیخ انصاری را درک کرده است و میرزای شیرازی استاد اصلی آخوند بود و وی نزد میرزا نزدیک به ده سال شاگردی کرده است <sup>۱۷</sup>. با این حال

<sup>۱۴</sup> - نگاهی تطبیقی به مدرسه قم و نجف ص ۲

<sup>۱۵</sup> - تاریخ علم اصول ص ۲۳

<sup>۱۶</sup> - نگاهی تطبیقی به مدرسه قم و نجف ص ۲

<sup>۱۷</sup> - در آمدی به تاریخ علم اصول ص ۴۰۰

تاثیرگذاری شیخ انصاری بر مرحوم آخوند خیلی بیشتر از میرزای شیرازی شیخ انصاری است که از آثار مرحوم آخوند کاملاً مشهود است این مطلب باید در نظر گرفت که میرزای شیرازی در زمانی که در نجف هم بودند از مسلک خاص خودشان پیروی می کردند نه اینکه فقط در سامرا به این منهج روی آورده باشند فلذا عدم تاثیر تمام و کمال استاد بر یک فرد کاملاً مشهود می شود.

## ب - شرایط مکانی و زمانی

### ۱- تاثیرات در تاریخ:

(۱)- مکتب اصولی نجف دارای دقت های فلسفی و موشکافانه می باشد این در حالی است که مکتب قم به این دقتها روی خوش نشان نداده است . شاید بتوان علت این عدم اقبال را به خود قم نسبت داد چون از دیرباز محدثینی در قم وجود داشتند که با فلسفه میانه ی خوبی نداشتند و بالتبع روی متاخرین مکتب اصولی قم هم تاثیر گذاشته است . این مطلب را می توان از آثار اصولی هر دو مکتب مشاهده نمود.

(۲)- مکتب قم سعی دارد که مسائل علمی را ناظر به شرایط امروز تولید کند مدرسه سامراء نیز با مسائل اجتماعی درگیر بود از جمله آنها فتوای میرزای شیرازی و مبارزات شاگردان این مکتب از جمله شیخ فضل الله با ستمکاران زمانه خودشان حاکی آنست . حال باید خاطر نشان کرد سبک نجف به طرح مسائل و فروعی می پردازد که خیلی اوقات مصداق ندارد و یا ثمره علمی یا عملی ندارد.<sup>۱۸</sup> شاید بتوان علت این گونه بر خورد در مکتب نجف را معلول جو حاکم بر حوزه ی علمیه نجف دانست که طلاب نسبت به دقیق شدن در دروس شوق زیادی داشتند . شاید جو خفقان موجود در فضای حاکمیتی عراق که اجازه ی فعالیت های اجتماعی گسترده به طلاب را نمی داد را در این مطلب بی تاثیر ندانست.

(۳)- از جهت زمانی امروز حوزه های علمیه به خصوص حوزه علمیه قم به سمت تحول و حذف زواید برآمده است شاید بتوان گفت که انقلاب اسلامی ایران در این مهم بی تاثیر نبوده است . با در نظر گرفتن نیاز هایی که انقلاب اسلامی به علوم انسانی و اسلامی پیدا کرده است اساتید و طلاب بیشتر گرایش به حذف مطالب فاقد تاثیر در فقه و اصول گرایش دارند.

### گفتار ۱/۲ : فکر و ذوق فرد اصولی

<sup>۱۸</sup> - نگاهی تطبیقی به مدرسه قم و نجف ص ۱۰۱ و ۱۱۰ با اندکی تصرف

در واقع باید فکر یک فرد را به عنوان علت نهایی در انتخاب هر چیز عاقلانه در نظر گرفت. حال یک سری امور اند که این فکر را جهت دهی کرده و شکل می دهند ولی علت نهایی برای یک فرد را باید فکر خود فرد در نظر گرفت چون یک فرد با فکر خود چیزی را انتخاب می کند و ما بداهت این موضوع را به وجدان خواننده وا می گذاریم. حال لازم به ذکر است که ما خود علل تشکیل دهنده ی فکر فرد را به عنوان علت بیان نکردیم چون در مصادیقی که بیان شد تخلف از آن علل وجود داشته فلذا نمی توان یک قاعده داد و از آن ها به عنوان علت یاد کرد. حال لازم به ذکر است که ذوق یک فرد ممکن است که به صورت ذاتی باشد که استاد و مکان و زمان می توانند آن ذوق فطری را پرورش داده و به سمت و سوی مطلوب ببرند.

## **فصل چهارم : تبیین شاخصهای مکتب ها و بررسی تطبیقی**

### **نکته:**

در بعضی از موارد که ما نیاز به توضیح دادن کردیم توضیح داده ایم تا زوایای بحث برای خواننده ی محترم مجهول نماند.

### **گفتار ۱ : شاخصه های مکتب قم**

#### **الف - حذف زواید :**

۱ - امام خمینی (ره) در بحث فرق بین انسداد کبیر و صغیر در پاورقی شماره یک می فرمایند:

من بحث کردن از ادله ی عقلی در این دوره را ترک می کنم به خاطر کم بودن فائده ی آن و این که مباحث طولانی ای دارد . و امید است که طلاب مباحثی را که فائده ی فقهی ای در آن وجود ندارد را ترک کنند.<sup>۱۹</sup>

۲- آیت الله العظمی مکارم نیز می فرمایند:

---

<sup>۱۹</sup> - أنوارالهدایة، ج ۱، ص ۳۱۷

لکن با تاسف... امروز مسائل بسیاری را می بینیم که فائده ای در آن وجود ندارد (با این حال) با مسائلی که دارای نفع و فائده اند اختلاط پیدا کرده مخصوصاً در اصول فقه.<sup>۲۰</sup>

### توضیح :

حذف زوائد شاید مهم ترین شاخصه ی این مکتب باشد که نتیجه ی افکار حاکم بر ایران است و شاید علت اصلی این حذف زوائد تاثیر از استاد اعظم این مکتب آیت الله حائری یزدی در این که باید از چیز های اضافی صرف نظر کرد تاثیر پذیرفته اند که خود ایشان از استاد خود آیت الله شیرازی آذراین موضوع تبعیت نکرده اند ولی از این جهت که باید تحولی در این علم حاصل شود چرا تاثیر پذیرفته اند .

### ب - پرداختن بیشتر به عرف در فهم روایات

این مطلب را می توان از آثاری که در این مکتب برون آمده است مشاهده نمود برخلاف مکتب نجف که بیشتر به مباحث دقیق عقلی می پردازد .

### گفتار ۲: شاخصهای مکتب نجف

#### الف - دقیق سازی مباحث

مثل این که ایشان از بحث لاسهو فی السهو ۱۸ صورت ذکر کرده اند و چه بسیار است این گونه مثال ها.

#### ب - اول عقل و بعد نقل

مدرسه نجف دارای فقهی صناعی است، صناعت محوری آنست که در مسئله فقهی مطرح شده ابتدائاً بدون مراجعه به روایات و منابع اصیل فقه (کتاب و سنت) تأسیس اصل می شود و بعد از دستیابی به مقتضای

<sup>۲۰</sup> - القواعد الفقهیة، ج ۱، ص ۱۴

<sup>۲۱</sup> - دررالفوائد، ص: ۴

اصل، به بررسی روایات می‌پردازیم. به بیان دیگر ابتدا اصل عقلی یا عملی در آن مسئله استخراج می‌شود سپس به متون دینی مراجعه می‌شود.<sup>۲۲</sup>

### گفتار ۳: شاخصه های مکتب سامرا

الف - مطرح کردن همه مسائل حتی آن دسته که یا به طور کلی فاقد ثمره فقهی هستند و یا کاربرد آنها اندک است.

ب - پرداختن به اکثر اقوال موجود در هر مسئله حتی اقوالی که بین الفساد هستند.

ج - توجه ویژه به وجهه نقلی مباحث اصولی و ورود کمتر به تحلیلهای عقلی.<sup>۲۳</sup>

### نتیجه گیری

دریافتیم که باید ذوق و فکر خود را با اطلاع به یک جریان جلو ببریم چون ممکن است که چیزهای دیگر روی این ذوق و فکر ما تاثیر بگذارند. حال با بررسی علت انتخاب یک مکتب توسط یک فرد اصولی اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم باید به شرایط زمانی و مکانی و اساتیدی که از آن ها علم می آموزیم توجه ویژه داشته باشیم چون همان طور که بیان کردیم اینها هستند که علل تشکیل دهنده یک فکر می باشند.

---

<sup>۲۲</sup> - نگاه تطبیقی به مدرسه قم و نجف ص ۴

<sup>۲۳</sup> - تاریخ علم اصول ص ۲۲



## منابع:

- مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی / اخوان صراف، زهرا - قم: موسسه بوستان کتاب ۱۳۸۷ ش
- درآمدی به تاریخ علم اصول / علی پور، مهدی / قم مرکز بین المللی ترجمه و نشر آل الله ۱۳۹۱ ش
- القواعد الفقهیه / مکارم شیرازی، ناصر / قم مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) ۱۳۷۰ ش
- بدایع الافکار / رشتی، حبیب الله بن محمد علی / قم موسسه آل البيت عليهم السلام
- انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه / خمینی، روح الله / تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۴۱۵ق
- تقریرات آیت الله المجدد الشیرازی / دوردزی، مولی علی / قم موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث / ۱۴۰۹ق
- مقالات الاصول / عراقی، ضیاء الدین / قم مجمع الفکر الاسلامی / ۱۴۲۰ق
- درر الفوائد (طبع جدید) / حائری یزدی، عبد الکریم / قم موسسه النشر الاسلامی / ۱۴۱۸ق
- جایگاه شناسی اصول گامی به سوی تحول / علی پور، مهدی و حسینی، حمیدرضا / قم انتشارات مرکز مدیریت قم / ۱۳۸۵ش
- رهنامه پژوهش / نگاهی تطبیقی به مدرسه قم و نجف / [www.rahname.ir](http://www.rahname.ir) / ۱۳۹۳ش

- ویکی شیعه / تاریخ علم اصول / [www.wikishia.net/](http://www.wikishia.net/)